

کاتب خوش ذوق و در دسر مصحح*

درباره کهن ترین دستنویس کامل «شاهنامه» (۵۶۷۵.ق.)

ابوالفضل خطیبی

اقدام آنها بی چون و چرا پیروی کند. پس از سالها بی توجهی به دستنویس ل، سرانجام دانشمندان شوروی آن را به درستی اساس تصحیح خود قرار دادند، اما آنان در بسیاری موارد با پیروی بی چون و چرا از این دستنویس از این سوی بام افتادند و ضبطهای نادرست و برساخته این دستنویس را در متن مصحح خود گنجانده و ضابطهای

دستنویس ل [موزه بریتانیا] روی هم رفته پس از ف [فلورانس] معتبرترین دستنویس شاهنامه است. ولی به حدس بنده مقداری از این اعتبار ناشی از تصحیحات قیاسی یک کاتب باسواد، یعنی «اعتبار فریبنده» است. این حدس در جابه جا کردن برخی بیتها در این دستنویس نیز تأیید می گردد که در نگاه اول جای آن درستتر می نماید، تا آنجا که برخی از مصححان شاهنامه را چنان فریب داده است که گمان کرده اند این نسخه باید از روی نسخه اصلی یا یک نسخه خیلی قدیمی نوشته شده باشد. ولی همخوانی بنداری و دستنویسهای دیگر و حتی دستنویسهایی که بنده در تصحیح از آنها استفاده نکرده ام، ولی عکس آنها را در اختیار دارم، نشان می دهد که ترتیب یگانه ل غلط است و دقت بیشتر در جریان داستان نیز نادرستی ترتیب ل را ثابت می کند. همچنین ک با آنکه کاتب آن ابیات بندتیبانی زیاد به متن افزوده، ولی متن اصلی آن گاه ضابطهای کهن را حفظ کرده است، گهگاه پرده از عدم اعتبار برخی از ضابطهای «کهن نمای» ل برمی گیرد». برای مشخصات دستنویس ل، رک. خالقی مطلق، جلال، «گفتاری در شیوه تصحیح و معرفی دستنویسها»، ضمیمه دفتر یکم شاهنامه، تهران، روزبهان، ۱۳۶۹.

متن این دستنویس به چاپ رسیده است. رک. شاهنامه فردوسی (نسخه موزه بریتانیا)، به کوشش محمد روشن و مهدی قریب، تهران، نشر فاخته، با همکاری شرکت آترپات، ۱۳۷۴ش؛ ولی چنانکه محمد روشن در مقدمه آن خاطر نشان کرده است، این چاپ عین نسخه موزه بریتانیا نیست، بلکه با نسخه فلورانس و برخی نسخه های دیگر سنجیده شده است. بنابراین اهل تحقیق با مراجعه به این متن برخلاف آنچه در عنوان کتاب آمده، همه جا نمی توانند اطمینان یابند که با متن نسخه موزه بریتانیا روبرویند. کاش عین این نسخه به صورت نسخه برگردان (فاکسیمیله) در دسترس محققان قرار می گرفت.

در اینجا مشخصات و نشانه های اختصاری دستنویسهای ۱۵ گانه مبنای تصحیح خالقی را که در این جستار از آنها بهره برده ایم، می آوریم و از این پس تنها به ذکر نشانه های اختصاری بسنده می کنیم: لندن ۶۷۵ (ل)، استانبول ۷۳۱ (س)، قاهره ۷۴۱ (ق)، کراچی ۷۵۲ (ک)، لندن ۸۹۱ (ل^۱)، استانبول ۹۰۳ (س^۲)، لنینگراد ۷۳۳ (لن)، قاهره ۷۹۶ (ق^۲)، لندن ۸۴۰ (لی)، لندن ۸۴۱ (ل^۳)، پاریس ۸۴۴ (پ)، واتیکان ۸۴۸ (و)، لنینگراد ۸۴۹ (لن^۲)، آکسفورد ۸۵۲ (آ)، برلین ۸۹۳ (ب).

1) The Nöldeke, *The Iranian National Epic*, Tr. L.

Bogdanov, Bombay, 1930, p. 109.

ترجمه فارسی این کتاب چندان دقیق نیست. رک. حماسه ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۴۳.

2) *Ibid.* pp. 109ff. (ترجمه فارسی، ص ۱۴۳ به بعد)

3) *Ibid.* p. 109.

می دانیم از شاهنامه دستنویسهای فراوانی باقی مانده است که در کتابخانه های مختلف جهان نگهداری می شود و از آن میان پیش از آنکه بیه مونتسه (A. M. Piemontese)، ایران شناس ایتالیایی دستنویس مورخ ۶۱۴ هجری قمری محفوظ در کتابخانه فلورانس (ف) را کشف کند (سال ۱۹۸۰م)، دستنویس موزه بریتانیا در لندن، کهن ترین دستنویس شناخته شده شاهنامه به شمار می آمد. نبود دستنویسی کهن از شاهنامه (کهن ترین آنها بیش از ۲۰۰ سال با زمان فردوسی فاصله دارد) از یک سو و اختلافهای فراوان میان دستنویسها از سوی دیگر، حتی نابغهای چون نولدکه را نیز سردرگم ساخته است. به نظر نگارنده ارزیابیهای نولدکه از دستنویسهای شاهنامه، به ویژه اقدام آنها در آن زمان، چندان دقیق نیست. او در کتاب معروف خود، حماسه ملی ایران، به اقدام دستنویسها هیچ اعتنایی نمی کند و تنها می نویسد: «دستنویس موزه بریتانیا سرشار از ضابطهای نادرست است».^۱ در حالی که به تفصیل به بررسی متن چند دستنویس متأخرتر و کم اعتبارتر از شاهنامه می پردازد.^۲ اقدام دستنویسها که با دستنویس بعدی (استانبول، ۷۳۱) پنجاه و اندی سال فاصله دارد و دست کم از اواخر قرن نوزدهم شناخته شده بود، تا زمانی که دانشمندان شوروی در اواسط قرن بیستم آن را اساس تصحیح خود قرار دادند، هیچ گاه مورد توجه جدی شاهنامه شناسان و مصححان قرار نگرفت. شاید ارزیابی منفی نولدکه در این بی توجهی بی تأثیر نبوده باشد.

نولدکه به درستی خاطر نشان می سازد که هیچ دستنویسی را نمی توان یافت که اصل سروده شاعر را به ما عرضه کند.^۳ بنابراین، در تصحیح شاهنامه به این نکته مهم باید سخت توجه کرد که دستنویسهای قدیمی هر یک ارزش نسبی دارند و مصحح نباید از

حاشیه:

* انگیزه اصلی نگارنده در نگارش این مقاله، مطلبی است درباره این دستنویس که شاهنامه شناس برجسته ایران، دکتر جلال خالقی مطلق، در نامه ای برای اینجانب نوشته اند. این بخش از نامه ایشان را بدان سبب که حاوی نکته ای مهم در تصحیح متن شاهنامه است، عیناً می آوریم: «این

۴) بیت‌های منقول از شاهنامه در آثار فارسی قرون پنجم تا هفتم هجری (لغت فرس اسدی، راحة الصدور راوندی و جز آنها).

۵) توجه به منطق درونی شعر و سبک ویژه سخن‌سرایی شاعر و مقایسه با موارد مشابه در دیگر بخش‌های شاهنامه.

۶) ارزیابی دقیق شیوه کار کاتب ل و سنجش آن با دستنویس‌های دیگر.

درباره برخی از ملاک‌های شش‌گانه بالا، نگارنده بیشتر با عرضه شواهد متعدد به بحث پرداخته است (رک. زیرنویس‌های ۴ و ۶) و در آینده نیز این بحث‌ها را پی خواهد گرفت. این جستار تنها به بحث درباره ملاک ششم یعنی شیوه کار کاتب ل اختصاص یافته و طی آن سعی خواهد شد که، با عرضه شواهدی منشأ ضبطها و بیت‌های برساخته این کاتب، که در برخی از چاپ‌های شاهنامه، به‌ویژه چاپ مسکو، اصلی فرض شده است، نشان داده شود.

چنین می‌نماید که کاتب ل^۷ از باسوادترین کاتبان شاهنامه باشد، خوش‌ذوقی، هوشمندی و جسارت این کاتب در تغییر واژه‌ها، مصراعها و بیتها را نیز می‌توان به باسوادی او افزود. کاتب ل مصداق بارز این نظر نولدکه درباره کاتبان شاهنامه است که: «فقدان امانت نزد کاتبان ایرانی با آن ذوق شاعرانه که گرایشی

درست دستنویس‌های دیگر را به حاشیه برده‌اند.^۴ با این همه، دستنویس ل، پس از دستنویس فلورانس، بی‌گمان معتبرترین است و در نیمه دوم شاهنامه که دستنویس فلورانس فاقد آن است، اعتبار آن بسی افزوده می‌شود.

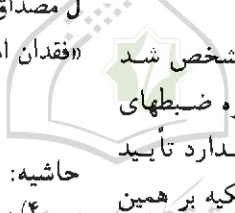
یکی از ویژگی‌های بسیار مهم دستنویس ل ضبط‌های یگانه آن است که دو ویژگی متباین دارند: یا ضبطی است اصیل که در بقیه دستنویسها تصحیف شده و یا ضبطی است برساخته یا مصحّف که صورت درست گاه به صورت یکپارچه در بقیه دستنویسها و حتی ترجمه عربی بنداری (ترجمه در ۶۲۱-۶۲۰هـ.ق) باقی مانده‌اند.

در اینجا این پرسش را می‌توان پیش کشید که براساس چه ملاک‌هایی می‌توان از میان ضبط‌های یگانه ل، ضبط‌های اصیل را از برساخته بازشناخت؟ برخی از این ملاکها را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱) دستنویس فلورانس: با کشف این دستنویس مشخص شد که این دستنویس بسیاری از ضبط‌های یگانه ل، به‌ویژه ضبط‌های ساده آن را که برتری ویژه‌ای بر دستنویس‌های دیگر ندارد تأیید نمی‌کند. دکتر خالقی در تصحیح نیمه اول شاهنامه با تکیه بر همین اصل، بسیاری از ضبط‌های یگانه ل را به‌درستی به حاشیه برده و برای نیمه دوم که دستنویس فلورانس فاقد آن است، سفارش می‌کند که: «در مواردی که نمی‌توان برتری ضبطی را بر ضبطی دیگر ثابت کرد، اگر تصحیح را بر اتفاق چهارده پانزده دستنویس دیگر بنا کنیم مطمئن‌تر است تا بر پایه یک دستنویس. پس از میان دو ضبط ساده که یکی منفرد در اقدم نسخ آمده باشد و دیگری در بقیه دستنویسها، ضبط دوم برتر و جایش در متن است. اکنون همین روش را می‌توان گسترش داد و در شناخت بیت‌های اصیل و الحاقی به کار بست.»^۵

۲) دستنویس‌هایی که با ل خویشاوندی نزدیک دارند: یکی از این دستنویسها متعلق به قرن هشتم هجری است و چاپ عکسی آن به تازگی منتشر شده است (در این جستار با نشان د)، بخش نسبتاً کوچکی از این دستنویس با ل خویشاوندی نزدیک دارد و ضبط‌های آن ملاک مهمی در ارزیابی ضبط‌های مشابه در ل به‌شمار می‌آید.^۶

۳) منابعی که مانند شاهنامه اخبار آنها بامیانجی یا بی‌میانجی به خدای نامه پهلوی می‌رسد. از آن جمله‌اند: سیرالملوک ابن مقفع - که بخش‌های مفصلی از آن در نه‌ایه الارب باقی مانده است - اخبار الطوال دینوری، تاریخ طبری و نظایر آن.



حاشیه:

۴) برای بحثی مشروح در این باره، رک. نقد نگارنده بر این چاپ با عنوان «انتخاب اقدم یا ترجیح اصح»، نامه ایران باستان، س ۲، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۹۸-۷۷.

۵) «یادداشت‌هایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه» (۲)، ایران‌نامه، س ۵، ش ۱، پاییز ۱۳۶۵، ص ۶۲. پس از دانشمندان شوروی، مصححان «بنیاد شاهنامه» نیز در تصحیح داستانهایی از شاهنامه، دستنویس ل را اساس تصحیح قرار داده و باز هم گاه با پیروی بی‌چون و چرا از آن برخی ضبطها و بیت‌های اصلی را که تنها در ل نبوده به حاشیه برده و برخی ضبطها و بیت‌های منفرد و الحاقی را که تنها در ل بوده در متن گنجانده‌اند. خالقی در مقاله یادشده (ص ۶۵-۶۳) نشان داده است که تنها در داستان رستم و سهراب مصححان بنیاد به همین شیوه ۸ بیت اصلی را به حاشیه برده و ۹ بیت الحاقی را در متن گنجانده‌اند.

۶) شاهنامه فردوسی، همراه با خسته نظامی، چاپ عکسی از روی نسخه متعلق به مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹؛ برای نقد و بررسی این نسخه، رک. خطیبی، ابوالفضل، شاهنامه‌ای کهن (همخوانی بخشی از دستنویس سعدلو با کهن‌ترین دستنویس کامل شاهنامه)، نشر دانش، س ۲۰، ش ۱، بهار ۱۳۸۲، ص ۳۶-۳۰.

۷) بی‌گمان نمی‌توان همه دستکارها و تحریفات موجود در اقدم دستنویسها را به کاتب آن نسبت داد؛ چه بسا ممکن است بسیاری از این تحریفات ساخته و پرداخته کاتب مادر دستنویس ل و یا حتی نسل‌های قبل از آن باشد. بنابراین، در این جستار هرگز از کاتب ل سخن می‌رود، ممکن است مراد دیگر کاتبان در سلسله نسب این دستنویس نیز باشند. زیرا دشوار می‌توان تشخیص داد که برساخته‌های هوشمندانه در ل، شاهکار (!) کدام یک از کاتبان در سلسله نسب این دستنویس بوده است.

است معمول در میان آنان سبب شده است تا شاهنامه نیز از زبردست آنان جان سالم به در نبرد.^۸ اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که به سبب باسوادی کاتب ل، بسیاری از ضبطهای کهن و اصیل شاهنامه تنها در دستنویس او حفظ شده است. از همین رو اعتبار و اهمیت این دستنویس، بهرغم دستکاریهای مختلف کاتب آن، همچنان در تصحیح شاهنامه پابرجاست.

کاتبان، هنگام کتابت، دچار لغزشهای مختلفی می‌شده‌اند که مهمترین آنها را در زیر می‌آوریم و چگونگی برخورد کاتبان را با این لغزشها شرح می‌دهیم:

□ الف) یکی از لغزشهای معمول کاتبان در کتابت متن شاهنامه -یا هر منظومه دیگری- این است که هنگام کتابت، زمانی که یک چشم بر متن اصلی افکنده و چشمی دیگر بر متن خود، گاهی ناخواسته به‌ویژه در آغاز مصراعها، به جای نگارش مصراع واقعی، به‌خط آغاز مصراع قبلی یا بعدی را می‌نوشتند و از آنجا که نمی‌توانستند نوشته‌های غلط را خط بزنند (در این صورت آراستگی نسخه از دست می‌رفت)، یا می‌بایست آنها را تراشند و صورت درست را روی آن بنویسند و یا برگ را تعویض کنند که عمل به هر یک از این دو شیوه وقت‌گیر و دشوار بود؛ از این رو بیشتر کاتبان ترجیح می‌دادند که نوشته‌های غلط را در متن حفظ کنند و بعضاً متناسب با محتوای متن و جریان داستان، با دستکاریهایی وزن و قوافی را درست کنند. به نمونه‌های زیر توجه فرمایید:

۱) از اندرزه‌های بوزرجمهر، رای زن نامدار خسرو انوشیروان:

- ۱۳۳۵ کسی کو به بادافره اندرخورست
کجا بدنزادست و بدگوهرست
۱۳۳۶ کند شاه دور از میان گروه
بی‌آزار تا زو نگرده ستوه
۱۳۳۷ هر آنکس که باشد به زندان شاه
گنهکار گر مردم بسی‌گناه
۱۳۳۸ به فرمان یزدان ببايد گشاد
به زند و به است آنچ کرده‌ست یاد
(چ مسکو، ج ۸، ص ۱۳۳، ب ۱۳۳۸-۱۳۳۵)

کاتب دستنویس ق، هنگام کتابت آغاز بیت ۱۳۳۶ چشمش به آغاز بیت ۱۳۳۸ می‌افتد و می‌نویسد: به فرمان یزدان و آنگاه که متوجه لغزش خود می‌شود، به جای تصحیح آن، بقیه مصراع واقعی را بدان پیوند می‌زند و چنین می‌نویسد: «به فرمان یزدان میان گروه».

۲) انوشیروان در برابر رئیس دیوان عرض سپاه (بابک) هنرنمایی می‌کند:

۲۰۲ دگرباره کسری برانگیخت اسب
چپ و راست برسان آذرگشپ

۲۰۳ نگه‌کود بابک ازو خیره ماند
جهان‌آفرین را فراوان بخواند

(چ مسکو، ج ۸، ص ۶۴، ب ۲۰۳-۲۰۲)

کاتب دستنویس ق^۲ هنگام کتابت بیت ۲۰۳ چشمش به بیت قبلی می‌افتد و می‌نویسد: دگر باره... سپس که متوجه لغزش خود می‌شود، بقیه بیت دوم را بدین‌سان می‌نویسد: «دگر باره بابک ازو خیره ماند».

همه کاتبان شاهنامه کم و بیش دچار چنین لغزشهایی می‌شوند و می‌توان نمونه‌های فراوانی از آنها عرضه کرد، ولی برای آنچه از این پس برآینم تا درباره اقدام دستنویسها شرح دهیم، همین دو نمونه کافی می‌نماید. در این گونه موارد، مصحح شاهنامه، اگر هم این فرایند را درنیاید، در گزینش ضبطهای درست با مشکلی روبه‌رو نمی‌شود؛ زیرا ضبطهای این دستنویسها غالباً گذشته از آنکه یگانه‌اند، از نظر لفظ و معنی به آن اندازه سست نیز هستند که مصحح در راندن آنها به حاشیه تردید نکند.

اکنون نوبت اقدام دستنویسها می‌رسد که همان‌گونه که گفتیم بی‌گمان از این‌گونه لغزش مصون نمانده است، ولی کاتب خوش‌ذوق ل چنان با مهارت لغزشهای خود را پوشانده که مصححان چاپ مسکو، بی‌آنکه متوجه خطای او شده باشند، ضبطهای منفرد دستنویس او را اصلی انگاشته و در متن جای داده‌اند. به نمونه‌های زیر توجه فرمایید:

۱) در دیباچه پادشاهی خسرو انوشیروان (در چاپ مسکو این دیباچه به‌خط در پایان پادشاهی قباد جای گرفته است)، فردوسی در بیت‌های بلیغی با مطلع: «الا ای دل‌آرای سرو بلند/ چه بودت که گشتی چنین مستمند»، از شصت سالگی خود سخت شکوه می‌کند:

- ۳۸۴ ...شود بسته بی‌بند پای نوند
وزو خوار گردد تن ارجمند
۳۸۵ مرا درّ خوشاب سستی گرفت
همان سرو آزاد پستی گرفت
۳۸۶ خروشان شد آن نرگسان دژم
همان سرو آزاده شد پشت خم
۳۸۷ دل شاد و بی‌غم پر از درد گشت
چنین روز ما ناجوانمرد گشت

(چ مسکو، ج ۸، ص ۵۲، ب ۳۸۷-۳۸۴)

حاشیه:

- ۵۱۴ پس پشت و پیش اندر آزادگان
همی رفته تا آذرآبادگان
- ۵۱۵ چو چشمش برآمد به آذرگشسب
بیاده شد از دور و بگذاشت اسب
- ۵۱۶ ز دستور پاکیزه برسم بجست
دو رخ را به آب دو دیده بشست
- ۵۱۷ به باز اندر آمد به آشکده
نهاده به درگاه جشن سده
- ۵۱۸ بفرمود تا نامه زند و اُست
به آواز برخواند موبد درست
- ۵۱۹ رد و هیرید پیش غلتان به خاک
همه دامن قرطها کرده چاک
- (ج مسکو، ج ۸، ص ۸۲، ب ۵۱۹-۵۱۴)

می‌دانیم شاهنامه تنها اثر ادبی نیست، بلکه برای تاریخ و فرهنگ و آیینهای ایران باستان نیز منبع ارزشمندی محسوب می‌شود. اکنون از این منظر به بیتهای بالا نظر می‌افکنیم: محقق تاریخ ایران باستان اگر سال جنگ انوشیروان با رومیان را بداند با استناد به بیت ۵۱۷ می‌تواند زمان لشکرکشی انوشیروان را برای جنگ با رومیان، دقیق‌تر به ماه (بهمن) تعیین کند و از این مهمتر، محقق آیینهای ایران باستان از این چند بیت آگاهیهای مهمی درباره برگزاری جشن سده به دست می‌آورد: این جشن با شرکت پادشاه در آتشکده‌های بزرگ نیز برگزار می‌شد. پادشاه برسم به دست می‌گرفت و زارزار می‌گریست. موبد زند و اوستا می‌خواند و هیریدان در خاک می‌غلتیدند و قرطه‌های (قرطه معرب کوتاه = پیراهن، نیم‌تنه، قمیص) خود را چاک می‌کردند. اما در زیر نشان می‌دهیم که همه این گزارشها درباره جشن سده غلط واضح است و مهارت شگفت‌انگیز کاتب ل در بیت‌سازی سبب شده است که این گزارشهای نادرست وارد متن شاهنامه شود.

مصراع دوم بیت ۵۱۷ (نهاده به درگاه جشن سده) و آغاز مصراع یکم بیت ۵۱۸ (بفرمود تا) تنها و تنها در ل آمده و این دو بیت در ۱۴ دستنویس دیگر با اختلافهایی بسیار اندک بدین سان ضبط شده است:

- ۵۱۷ به باز اندر آمد به آشکده
نهادند کرسی به زر آرده
- ۵۱۸ نهاده برو نامه زند و اُست
به آواز برخواند موبد درست

کاتب ل هنگام نگارش مصراع دوم بیت ۵۱۷ به خط آغاز مصراع بعدی (نهاده) را می‌نویسد و از آنجا که به سبب به هم خوردن وزن نمی‌تواند «نهاده» را با بقیه مصراع پیوند بزند، کل

سخن بر سر مصراع دوم بیت ۲۸۶ است که مصححان شوروی، با پیروی از دستنویس ل، آن را در متن جای داده‌اند و در ظاهر مصراعی است استوار و در بافت متن هم خوش نشسته است. پیش از آنکه فرایند لغزش کاتب ل را شرح دهیم، ضبطهای دستنویسهای دیگر را می‌آوریم: س، س^۲ (لن، لی، ل^۲، پ، و، لن، آ، ا): «همی گیرد از رنج او پشت خم»؛ ق: «همی گیرد از رنج و از شست خم»؛ ک: «همی گیرد از شست و از رنج نم»؛ ل^۲: «همی گیرد از سستی و رنج نم»؛ ق^۲: «همی گیرد از رنج و از شست نم». چنانکه ملاحظه می‌شود ضبط ل یگانه است و ضبطهای ۱۴ دستنویس دیگر، به رغم اختلافهایی میان برخی از آنها با یکدیگر پیوند دارند. منشأ یگانگی ضبط ل از آنجاست که کاتب هنگامی که می‌خواهد نگارش مصراع دوم بیت ۲۸۶ را آغاز کند به خط آغاز مصراع دوم بیت قبلی (همان سرو آزاد) را می‌نویسد و سپس که به خطای خود پی می‌برد، با بهره‌گیری از ذوق شاعرانه خود، آزاد را به آوده تبدیل می‌کند و با استفاده از قسمت دوم مصراع واقعی، یعنی پشت خم و چفت و بست شد، مصراعی بدین زیبایی را خلق می‌کند: «همان سرو آزاده شد پشت خم». حال آنکه به گمان نگارنده ضبط اصلی در ۹ دستنویس بعضاً از شاخه‌های مختلف، بدین صورت باقی مانده است: «همی گیرد از رنج او (شست سالگی) پشت خم». شاید خواننده‌ای تیزبین بر استدلال ما خرده بگیرد و بگوید که چه بسا ممکن است کاتب ل دچار چنین لغزشی نشده، بلکه این خود فردوسی بوده که دو تشبیه مشابه را در دو مصراع به کار برده است. در پاسخ می‌گوییم که چنانچه فرایند لغزش کاتب ل پذیرفتنی نباشد، به سه دلیل ضبط مختار ما بر ضبط ل برتری دارد: یکی آنکه ضبط ل یگانه است و حتی دستنویس خوشاوند آن در این بخش، یعنی دستنویس نویافته سعدلو (د: ص ۷۸، س ۱) نیز این ضبط را تأیید نمی‌کند، دوم اینکه یک مضمون در دو بیت متوالی با اختلافهایی اندک تکرار شده است که این تکرار از بلاغتی که در شعر فردوسی سراغ داریم بعید می‌نماید و سوم اینکه ضبط مختار ما از ضبط ل نا اندازه‌ای دشوارتر است و از این رو دشوار می‌توان پذیرفت که ۱۵ دستنویس بعضاً از شاخه‌های مختلف، مصراع ساده «همان سرو آزاده شد پشت خم» را بی‌هیچ دلیلی به صورتهای دیگر تبدیل کنند و تنها یک دستنویس این ضبط ساده را حفظ کرده باشد.

(۲) انوشیروان رهسپار جنگ با رومیان می‌شود:

ل پذیرفتنی نباشد، جای این بیت سست مایه در حاشیه است، نه در متن و نه حتی درون قلاب در متن!

۴) انوشیروان در بازگشت از جنگ با رومیان بیمار می شود و شایعه مرگ او پخش می گردد. پسرش نوشزاد سر به شورش برمی دارد:

۷۴۹ کسی برد زی نوشزاد آگهی

که تیره شد آن فرّ شاهنشهی

۷۵۰ جهانی پر آشوب گردد کنون

بیارند هر سو به بد رهنمون

۷۵۱ جهاندار بیدار کسری بمرد

زمان و زمین دیگری را سپرد

(چ مسکو، ج ۸، ص ۹۶، ب ۷۵۱-۷۴۹)

کاتب ل در کتابت آغاز بیت ۷۵۰ به جای «جهاندار»، «جهانی» می نویسد و احتمالاً چون نمی تواند با مصراع حقیقی پیوند بزند، یک بیت دیگر که با مضمون ماجرا سخت پیوند داشته باشد و با «جهانی» آغاز شود، می سراید و سپس بیت بعدی را به تمام و کمال می نویسد. بیت ۷۵۰ که باز هم تنها در ل آمده است، بسیار مشکوک می نماید.

۵) انوشیروان به کارداران خود می نویسد:

۱۲۹ به جایی که باشد زبان ملخ

و گو تف خورشید تابد به شخ

۱۳۰ دگر تف باد سپهر بلند

بدان کشتمندان رساند گزند

۱۳۱ همان گر نبارد به نوروز نم

ز خشکی شود دشت خرّم دژم

۱۳۲ مخواهید باز اندر آن بوم و رست

که ابر بهاران به باران نشست

(چ مسکو، ج ۸، ص ۶۰، ب ۱۳۲-۱۲۹)

باز هم کاتب ل در نگارش آغاز بیت ۱۳۰ به اشتباه آغاز مصراع قبلی، یعنی وگو تف را نوشته و بقیه مصراع اصلی را با آن پیوند زده است (با این تفاوت که در متن ل، دگر آمده). صورت درست در غالب دستنویسهای دیگر چنین ضبط شده است: «وگر برف و باد سپهر بلند».

حاشیه:

۹) نمونه های نخستین اسنان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایرانیان، ترجمه زاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۰۴.

مصراع را نادیده می گیرد و خود با مهارت چنین می سراید: نهاده به درگاه جشن سده. در مصراع بعدی، عبارت «نهاده برو» را بدان سبب که با حذف مصراع قبلی نقش خود را از دست داده است، حذف می کند و به جای آن عبارتی متناسب با وضعیت جدید (استقلال معنایی هر یک از دو بیت)، یعنی «بفرمود تا» را می نشاند و بدین سان دو بیت را به لحاظ لفظ و معنی به کلی دگرگون می کند. چنانکه دیدیم در این بیتها اصلاً سخنی از جشن سده نیست؛ وانگهی در هیچ یک از منابعی که کریستن سن اخبار آنها را درباره این جشن بکجا گرد آورده،^۹ نیامده است که در این روز پادشاه بگرید و جشن را در آتشکده بنهد؛ هیربدان به جای شادی در خاک بغلتند و پیراهن چاک کنند؛ در این دو بیت شاعر می گوید: موبد زند و اوستا را که بر روی کرسی مطّلابی نهاده بودند، به آواز می خواند. در همه چاپهایی از شاهنامه که از دستنویس ل استفاده نشده (مانند چاپ زول مول، ج ۶، ص ۱۰۲، ب ۵۰۸-۵۰۹، نهادند گاهی به زر آرده) گذشته از تفاوت های اندک، این دو بیت به همین صورت درست آمده است. در این بیتها گفته شده است که انوشیروان پیش از جنگ با رومیان به آتشکده آذرگشسب که مخصوص پادشاهان و جنگاوران بوده است، می رود و طلب پیروزی می کند.

۳) انوشیروان هنگامی که بر تخت شاهی نشست چنین خطبه

خواند:

۴۵ جهاندار بر داوران داورست

ز اندیشه هر کسی برتر است

۴۶ مکان و زمین آفرید و سپهر

بیاراست جان و دل ما به مهر

۴۷ شمارا دل از مهر ما برفروخت

دل و چشم دشمن به ما بر بدوخت

۴۸ شمارای و فرمان یزدان کنید

به چیزی که پیمان دهد آن کنید

۴۹ نگهدار تاجست و تخت بلند

ترا بر پرستش بود یارمند

(چ مسکو، ج ۸، ص ۵۶-۵۷، ب ۴۹-۴۵)

در اینجا باز هم همان فرایند رخ داده است: کاتب ل، هنگام کتابت آغاز بیت ۴۸، به اشتباه آغاز بیت پیشین را می نویسد و ظاهراً به این دلیل که نمی تواند با بقیه مصراع واقعی پیوند بزند، ترجیح می دهد ذوق شاعرانه خود را به کار گیرد و یک بیت کامل که با «شما را» آغاز شود، به نام فردوسی بسراید؛ این بیت تنها و تنها در ل آمده و در هیچ یک از دستنویسهای دیگر از جمله د (ص ۷۸۱، س ۱) نیست. با دقت در این بیت، سستی آن به لحاظ لفظ و معنی نیک هویداست و باز هم، چنانچه فرایند لغزش کاتب

- ۵۸۱ برآمد ز هر سوی دز رستخیز
 ندیدند جایی گذار و گریز
 ۵۸۲ چو خورشید تابان ز گنبد بگشت
 شد آن‌بارۀ دز بکردار دشت
 ۵۸۳ خروش سواران و گرد سپاه
 ابا دود و آتش برآمد به ماه
 (چ مسکو، ج ۸، ص ۸۶، ب ۵۸۲-۵۷۹)

کاتب ل از مصراع یکم بیت ۵۷۹ و مصراع دوم بیت ۵۸۲ بیت زیر را ساخته:

به گرد حصار اندر آمد سپاه
 ابا دود و آتش برآمد به ماه^{۱۰}

و مصراع دوم بیت ۵۷۹ و بیت ۵۸۰ و مصراع یکم بیت ۵۸۲ را انداخته است.

در این مورد مصححان چاپ مسکو به درستی ضبط ل را کنار گذاشته و ضبط درست دستنویسهای دیگر مبنای تصحیح خود را به متن برده‌اند. اما در برخی موارد دیگر این فرایند را درنیافته و ضبط مجعول ل را به متن برده‌اند. نمونه زیر مهارت شگفت‌انگیز کاتب ل را در بیت‌سازی و پوشاندن لغزشهایش، نیک می‌نماید:
 (۱) از اندر زهای پرمغز بوزر جمهر در مجلس چهارم:

۱۳۵۳ نباید شنیدن ز نادان سخن
 چو بد گوید از داد فرمان مکن
 ۱۳۵۴ همه راستی باید آراستن
 نباید که دیو آورد کاستن
 ۱۳۵۵ چو این گفتهها بشنود پارسا
 خسر د را کند بر دلش پادشا

(چ مسکو، ج ۸، ص ۱۲۴، ب ۱۳۵۵-۱۳۵۳)

در نگاه نخست، هیچ اشکالی در بیت‌های بالا دیده نمی‌شود. اما ۱۴ دستنویس دیگر پرده از فریکاری کاتب ل برمی‌گیرند. در همه این دستنویسها، بیت‌های بالا با اختلافهایی اندک به صورت زیر آمده است:

حاشیه:

۱۰) خالقی مطلق نخستین بار به این نکته مهم توجه کرد که در این‌گونه موارد به هنگام تصحیح و ثبت نسخه‌بدلها، مصراع‌هایی که به خطا با مصراع بیت دیگر یک بیت را ساخته، هیچ ربطی به آن بیت ندارد، بلکه اختلافهای احتمالی مربوط به هریک از این دو مصراع باید در سر جای خود ثبت شود. مثلاً در همین بیت اختلافهای مربوط به مصراع دوم باید ذیل بیت ۵۸۳ ثبت شود، نه بیت ۵۷۹.

خوش‌ذوقی در سرودن شعر و مهارت در بیت‌سازی در میان کاتبان شاهنامه منحصر به کاتب ل نیست و ذوق‌آزمایی برخی کاتبان دیگر نیز دست کمی از کاتب ل ندارد. به نمونه زیر توجه فرمایید:

۱۷۹۱ ز بس نیزه و گرز و گویال و تیغ

تو گفتی همی سنگ بارد ز میغ

۱۷۹۲ پنهان شد به گرد اندرون آفتاب

پرواز خاک شد چشم پزان عقاب

(چ مسکو، ج ۸، ص ۱۵۹، ب ۱۷۹۲-۱۷۹۱)

در دستنویس ق^۲، مصراع دوم بیت ۱۷۹۲ چنین ضبط شده است: «ز بس تیر پزان ز پزان عقاب». در اینجا کاتب ق^۲ هنگام کتابت این مصراع به خطا آغاز مصراع یکم بیت قبلی (۱۷۹۱) یعنی «ز بس تیر» را می‌نویسد و سپس که متوجه اشتباه خود می‌شود، نیزه را به تیر تبدیل می‌کند و با استفاده از همان مصراع (دوم بیت ۱۷۹۲)، چنین مصراع زیبایی خلق می‌کند: «ز بس تیر پزان ز پزان عقاب»، منظور کاتب این بوده است که دو طرف از بس تیرهایی با سوفار پر عقاب به آسمان پرتاب کرده بودند که آفتاب در پشت آنها پنهان شده بود، ولی کاتب به این نکته توجهی نداشته که در این صورت، تکلیف «به گرد اندرون» در مصراع اول چه می‌شود. بالأخره آفتاب در میان گردسواران پنهان شده بود یا در پشت تیر و سوفار آن یا هر دو؟!

□ ب) یکی دیگر از انواع لغزشهای کاتبان این است که هنگامی که کتابت نخستین مصراع بیتی را به پایان می‌برند، به جای نوشتن مصراع دوم همان بیت، بر اثر خستگی یا سهل‌انگاری، چشمشان به چند بیت بعد می‌افتد و مصراع دوم بیت دیگری را که از قضا با مصراع نوشته شده قافیه یکسانی دارد، می‌نویسند و بدین‌سان بیت ساخته شده غالباً بی‌معنی از آب درمی‌آید و در آن میان دست کم مصراع دوم بیت اولی و مصراع اول بیت بعدی را از قلم می‌اندازند. گاهی این حذفها به چندین بیت نیز می‌رسد. به نمونه زیر توجه فرمایید:

۵۷۹ به گرد حصار اندر آمد سپاه

ندیدند جایی به درگاه راه

۵۸۰ برو ساخت از چار سو منجینق

به پای آمد آن بارۀ جائلیق

می‌ریزد، خود از دو مصراع این بیت دو بیت مستقل می‌سازد،
بدین‌سان:

۱۹۱۲ بر ۱۲ شاه ایران مکن رزم رای
میر پادشاهی و لشکر ز جای
(۱) ۱۹۱۲ چو با شاه ایران کنی رزم یباد
دهی پادشاهی و لشکر به باد!

چنانکه ملاحظه می‌شود، کاتب ل^۳ به هیچ روی مهارت و خوش‌ذوقی کاتب ل را ندارد و سستی لفظ و معنی در این بیتها و نیز حشو مطلب و عدم تأیید دستنویسهای دیگر کافی است که مصحح بی‌درنگ آنها را نادیده بگیرد. آیا در مثال پیشین وضع از این قرار است؟ در آنجا همراهی ۱۴ دستنویس دیگر را نمی‌توان به‌سادگی نادیده گرفت. وانگهی مصراعهایی که در ل حذف شده‌اند، آتقدر استوار و سخته و زیبا هستند و نیز چنان با مصراعهای دیگر زنجیروار پیوند دارند، که ظن الحاقی بودن آنها را به‌کلی منتفی می‌سازد. در این گونه موارد تنها می‌توان یک احتمال به‌راستی ضعیف را در نظر گرفت و آن اینکه کاتب مادر همه این ۱۴ دستنویس، با مهارت این مصراعها را ساخته و به متن افزوده و کاتب دستنویسی که ل از نسل آن است، بیت را به درستی ضبط کرده باشد!

نمونه بسیار جالب توجهی از این نوع لغزش کاتبان در بیتهای زیر جلوه‌گر است. بوزرجمهر ده کار را بر ده گروه نکوهیده می‌داند و از آن میان:

۱۴۰۶ چو درویش مردم که نازد بچیز
که آن چیزگفتن نیرزد بنیز
۱۴۰۷ همان سقله کز هرکس آرام و خواب
ز دریا دریغ آیدش روشن آب
۱۴۰۸ وگر باد نوشین به تو برجهد
سپاسی از آن بر سرت برنهد
(ج مسکو، ج ۸، ص ۱۳۷، ب ۱۴۰۸-۱۴۰۶)

حاشیه:

(۱) نگارنده در شماره پیشین نشر دانش، با عرضه شواهد متعدد نشان داده است که بیتهای سفید زین‌ستیزانه در شاهنامه، هیچ ارتباطی به شاعر بزرگ ملی ما ندارد، بلکه ساخته و پرداخته کاتبان زن‌ستیز است. نمونه دیگری از این نوع گرایش کاتبان در همین بیت دیده می‌شود. در مصراع یکم شباهت صورت خطی عبارت «ز نادان» با «زنان» سبب شده است تا کاتب ک این مصراع را چنین بنویسد: «نباید شنیدن زنان را سخن!»
(۲) درباره اختلاف ضبط در آغاز این مصراع بین ل^۳ و دستنویسهای دیگر می‌توان احتمال داد که ل^۳ در متن اصلی خود همین صورت (بر) را داشته است.

۱۳۵۲ نباید شنیدن ز نادان^{۱۱} سخن
چو بد گوید از داد فرمان مکن
۱۳۵۴ همه راستی باید آراستن
ز کزوی دل خویش پیراستن
(۱) ۱۳۵۴ ز شاه جهاندار جز راستی
نزبید، که دیو آورد کاستی
۱۳۵۵ چو این گفتها بشنود پارسا
خرد را کند بر دلش پادشا

کاتب ل، هنگامی که مصراع یکم بیت ۱۳۵۴ را به پایان می‌برد، به جای نگارش مصراع دوم همان بیت، به خطا مصراع دوم بیت بعدی را می‌نویسد و در پایان این مصراع هنگامی که به واژه «کاستی» می‌رسد آن را به «کاستن» تبدیل می‌کند تا قافیه درست شود و در آن میان مصراع دوم بیت ۱۳۵۴ و مصراع یکم بیت بعدی ((۱) ۱۳۵۴) را می‌اندازد. درباره واژه نخست این مصراع، کاتب ل یا در متن اصلی به جای «نزبید» واژه «نباید» را داشته و یا خودسرانه «نزبید» را به «نباید» تبدیل می‌کند. گمان می‌کنم که خواننده تصدیق خواهد کرد که میان ساختار منسجم شعر و ارتباط تنگاتنگ مصراعها و بیتها در این تصحیح و نیز معنی و مفهوم جذاب و دل‌انگیز موجود در این متن با آنچه در دستنویس ل و چاپ مسکو آمده، تفاوت از زمین تا آسمان است. در اینجا شاید خواننده‌ای تیزبین بر استدلالهای ما خرده بگیرد و بگوید که از کجا معلوم که عکس این فرایند رخ نداده باشد؛ یعنی کاتب ل بیت را درست ضبط کرده و دستنویسهای دیگر از دو مصراع یک بیت، دو بیت مستقل دیگر را نساخته باشند؟! در پاسخ می‌گوییم چنین فرایندی ممکن است رخ دهد و در شاهنامه نمونه‌های آن اندک نیست. در زیر تنها به یک نمونه اشاره می‌کنیم و سپس بحث خود را بی‌می‌گیریم:

۱۹۱۱ خردمند مردی به خاقان چین
چنین گفت کای شهریار زمین
۱۹۱۲ تو با شاه ایران مکن رزم یباد
مده پادشاهی و لشکر به باد
(ج مسکو، ج ۸، ص ۱۶۶، ب ۱۹۱۲-۱۹۱۱)

کاتب ل^۳ در پایان کتابت مصراع یکم بیت ۱۹۱۲ به جای «یباد» به خطا واژه «رای» را می‌نویسد و چون قافیه بیت به‌هم

گذشته از چاپ مسکو، در همه چاپهای شاهنامه که بنده از نظر گذراندم، سه بیت بالا با اختلافهای اندک به همین صورت آمده است. در این بیتها چه به لحاظ لفظ و چه معنی تقریباً اشکالی دیده نمی‌شود؛ تنها می‌توان خرده گرفت که مصراع یکم بیت ۱۴۰۷ فعل ندارد. جالب توجه اینجاست که از میان دستنویسهای ۱۵ گانه مبنای تصحیح خالقی، ۱۲ دستنویس که در رأس آنها ل قرار دارد، سه بیت بالا را به همین صورت ضبط کرده‌اند. تنها دو دستنویس ک و ل^۲، خطا یا فریبکاری یکی از کاتبان را که ۱۳ دستنویس یاد شده از نسل دستنویس اویند، نیک برملا می‌سازد. در این دو دستنویس بیتهای بالا به صورت زیر آمده است:

- ۱۴۰۶ چو درویش مردم که نازد بجیز
که آن چیز گرفتن نیرزد بنیز
- ۱۴۰۷ همان سفله کز هرکس آرام و خواب
نیابد، ووا دل شود پرشتاب
- ۱۴۰۷(۱) سپاسی نهد بر زمین ز آفتاب
ز دریا دریغ آیدش روشن آب
- ۱۴۰۸ وگر بساد نوشین به تو برجهد
سپاسی از آن بر سرت برنهد

این خطا بی‌گمان به کاتب ل مربوط نمی‌شود، بلکه کاتب دستنویسی که ل و ۱۲ دستنویس دیگر از نسل آن بوده‌اند، از مصراع یکم بیت ۱۴۰۷ و مصراع دوم بیت (۱) ۱۴۰۷ که قافیه یکسانی دارند، یک بیت ساخته و مصراع دوم بیت ۱۴۰۷ و مصراع یکم بیت (۱) ۱۴۰۷ را انداخته است و بدین‌سان شعر شاعر مخدوش و بیتهایی در اوج فصاحت و زیبایی در کهن‌ترین دستنویسها حذف شده است. معنی بیتهای بالا چنین است: نگوئید است کار فرومایه‌ای که آرامش و خواب را بر دیگران روا نمی‌دارد و خود نیز آرام و قرار ندارد. به وکالت از آفتاب بر زمین منت می‌نهد [که بر آن نور تابانده است] و حسرت دریا را می‌خورد که آب روشن دارد. اگر باد جان‌بخشی بر تو بوزد، به جای باد، او بر سر تو منت می‌نهد!^{۱۳}

۱) سوفرای، سردار ایرانی به کین خواهی پیروز ساسانی که در جنگ با هپتالیان کشته شده و قباد (پسر پیروز) و موبد موبدان به اسارت آنان درآمده بود، به جنگ خوشنواز فرمانروای هپتالی می‌رود. ولی در گیرودار جنگ، خوشنواز فرستاده‌ای را نزد سوفرای می‌فرستد و تقاضای صلح می‌کند. سوفرای این پیشنهاد را با فرماندهان سپاه خود در میان می‌گذارد و نظر آنان را جویا می‌شود:

- ۳۲۰ اگر جنگ سازیم با خوشنواز
شود کار بی‌سود بر ما دراز
- ۳۲۱ کشد آنک دارد ز ایران اسیر
قباد جهانجوی چون اردشیر
- ۳۲۲ اگر نیستی در میانه قباد
ز موبد نکردی دل و مغز یاد
- ۳۲۳ گر او را ز ترکان بد آید بروی
نماند به ایران جز از گفت‌وگویی
- ۳۲۴ یکی ننگ باشد که تا رستخیز
بماند میان دلیران ستیز
- ۳۲۵ فرستاده را نغز پاسخ دهیم
درین آشتی رای فرخ نهم

(ج مسکو، ج ۸، ص ۲۵، ب ۳۲۵-۳۲۰)

ضبط ستیز در مصراع دوم بیت ۳۲۴ تنها در ل آمده و همه دستنویسهای دیگر به جای آن ضبط جهیز را آورده‌اند. احتمالاً کاتب ل با توجه به معنایی که از واژه جهیز در ذهن داشته، چون معنی بیت را دریافته است، متناسب با مضمون این بیتها واژه ساده و مفهوم ستیز را به جای آن گذاشته است. در شاهنامه، واژه جهیز به معنی «جهاز عروس» در سه بیت دیگر به کار رفته، ولی در بیت بالا بدان معنی نیست. بنده در متون فارسی شواهدی نیافتم که در آنها واژه جهیز به معنایی نزدیک به معنای جهیز در این مصراع باشد. اما با توجه به مضمون بیت، شاید بتوان آن را «باقی و پایدار»

حاشیه:

۱۲) این نمونه هوشمندی و تیزبینی دکتر خالقی را در انتخاب قدیم‌ترین و معتبرترین دستنویسهای شاهنامه، به خوبی نشان می‌دهد. درست است که در تصحیح کتاب عظیمی چون شاهنامه مقابله ۱۵ دستنویس با یکدیگر و ثبت همه اختلافهای ریز و درشت میان آنها، کاری است به راستی طاقت‌فرسا، ولی این نمونه به خوبی نشان می‌دهد که دقت و درایت در گزینش دستنویسها و استفاده از تعداد بیشتری از آنها برای تصحیح، در نزدیکی شدن به سخن اصلی شاعر و کشف و بازسازی بیتهای از دست‌رفته شاهنامه، نیک مؤثر است. نکته دیگر اینکه، نمونه بالا این احتمال را تقویت می‌کند که چه بسا بیتهایی از شاهنامه بدین‌سان بر اثر سهل‌انگاری کاتبان در همان مراحل اولیه نسخه‌برداری برای همیشه از دست رفته باشند.

□ ج) تغییرات دلخواهی: گفتیم که به سبب باسوادی کاتب صاحب‌ذوق ل، بسیاری از ضبطهای کهن یا متروک‌شده در دستنویس او باقی مانده، ولی مواردی که این کاتب نیز مانند بسیاری از کاتبان دیگر ضبطی نوتر را جانشین ضبط کهن کرده باشد، اندک نیست؛ منتها، واژه‌ها و ترکیبات نوتر در ل چنان با مهارت گزینش شده و به جای واژه‌ها و ترکیبات کهن نشسته که مصححان را به سادگی فریب داده است. به نمونه‌های زیر توجه فرماید:

معنی کرد. ولی ولف،^{۱۴} جهیز را در این بیت به معنی «جاری و روان» (laufend) گرفته است. معنی بیت‌های ۳۲۳ و ۳۲۴ چنین است: اگر ترکان قباد را بکشند، در ایران حرف و سخن فراوان شایع می‌شود و این تنگی است که تا رستخیز در میان دلیران باقی خواهد ماند. با در نظر گرفتن ضبط ل، بیت ۳۲۴ استقلال معنایی می‌یابد که البته معنی آن دلچسب نمی‌نماید: ننگ است که تا رستخیز در میان دلیران ستیز برقرار باشد!

۲) سوفرای همراه با اسیرانی که در بند هپتالیان بودند، پیروزمندانه به تیسفون بازمی‌گردد و بلاش به این مناسبت به جشن و پایکوبی فرمان می‌دهد:

۳۶۱ همی بود جشنی نه بر آرزوی

ز تیمار پیروز آزاده‌خوی

۳۶۲ همه چامه‌گر سوفزا را ستود

به بریط همی رزم ترکان سرود

(چ مسکو، ج ۸، ص ۲۷، ب ۳۶۲-۳۶۱)

ضبط مصراع یکم بیت ۳۶۲ در ۱۴ دستنویس - بجز ل - به رغم پاره‌ای تفاوتها به لحاظ مضمون یکسان است که می‌توان آن را چنین تصحیح کرد: «همی چامه‌گو سوفزا را ستود»، ولی در ل کاملاً با دستنویسهای دیگر متفاوت است: «همه جامه سوگواران کیود». این ضبط را تنها دستنویس د (ص ۷۷۱، س ۴ از پایین) تأیید می‌کند و نگارنده در بررسی این دستنویس (رک. حاشیه ۶) نوشتیم که هر دو صورت می‌تواند درست باشند، ولی در اینجا که پای گزینش یکی از آنها در میان است، با توجه به آنچه تاکنون درباره اقدام دستنویسها گفتیم، ضبط ل را شاید بتوان زاده طبع شعری کاتب آن به شمار آورد. کاتب ل، چامه را جامه - که صرف نظر از نقطه کاملاً یکسان نوشته می‌شوند - خوانده و با آگاهی از اینکه ایرانیان قدیم در مراسم سوگواری جامه کیود بر تن می‌کردند، از شباهتهای میان برخی واژه‌های این مصراع در خط (سوفزا/ سوگوار، ستود/ کیود) بهره برده و متناسب با مضمون ماجرا مصراع بدین زیبایی را سروده است. او بر تن شرکت‌کنندگان در جشن جامه کیود پوشانده است تا مضمون بیت قبلی را که اندوه ایرانیان را حتی در جشن آزادی ولیعهد (قباد) و موبد موبدان می‌نمایاند، تکمیل کند. ۳) انوشیروان کارگزاران خود را تهدید می‌کند که بیش از اندازه مقرر مالیات نستانند:

۱۳۹ کسی را که باشد برین مایه‌کار

اگر گیرد این کار دشوار خوار

۱۴۰ کنم زنده بر دار جایی که هست

اگر سرفرازست وگر زبردست

(چ مسکو، ج ۸، ص ۶۱، ب ۱۴۰-۱۳۹)

در مصراع یکم، ضبط مایه‌کار تنها در ل آمده است و در دستنویسهای دیگر بدین سان: س: نایکار (حرف اول نقطه ندارد); (ق: یادگار); ق: بدین بارگاه; ک (نیز و): بدی نایکار; ل: برو نایکار; س: (نیز لی، لن): ازین نایکار; (لن): ازین نایکار; ل: زنی نایکار(۱). به گمان نگارنده صورت درست در دو دستنویس پ و ب ضبط شده و آن برین نایکار است که صورتهای نزدیک به آن نیز در غالب دستنویسها به چشم می‌خورد؛ نایکار به معنی «پیشکار تحصیلدار مالیات» است و در شاهنامه و متون فارسی دیگر، شواهد متعددی دارد (رک. لغت‌نامه دهخدا، ذیل همین واژه). ولی مصححان چاپ مسکو مانند نمونه پیشین باز هم فریب خوش‌ذوقی و مهارت کاتب ل را خورده‌اند و ضبط برساخته او را به جای واژه‌های کهن و مرتبط با موضوع بیت در متن نشانده‌اند. در مصراع دوم همین بیت باز هم با پیروی بی‌چون و چرا از ل صورت کهن دشخوار را - که در بیشتر دستنویسها آمده - رها کرده و صورت نوتر دشوار را برگزیده‌اند.

برخی کاتبان دیگر نیز چنانچه زمینه‌های مساعدی از جمله امکان قرائتهای مختلف از یک واژه یا عبارت و نزدیکی صورت خطی متن با آنچه در ذهن کاتب نقش می‌بندد، فراهم می‌شد، گاهی مصراعها و بیت‌هایی می‌سرودند که دست کمی از ساخته‌های کاتب ل نداشته است. نمونه جالبی از این سروده‌ها را نگارنده بیشتر در مقاله‌ای به تفصیل شرح داده است.^{۱۵} حاصل سخن آنکه کاتب کهن ترین دستنویس کامل شاهنامه با برخورداری از ذوق شاعرانه، واژه‌ها، مصراعها و بیت‌های بسیاری را خودسرانه وارد متن شاهنامه کرده است. از این رو شایسته است مصحح به ضبطهای یگانه این دستنویس - و کلاً هر یک از دستنویسهای این کتاب - همواره به دیده تردید بنگرد و تا هنگامی که اصالت این ضبطها بنا به شواهد مختلف ثابت نشده باشد، بهتر است آنها را رها کند و متن را بر اتفاق دستنویسهای دیگر بنا نهد. از ضعفهای اساسی دو تصحیح معروف شاهنامه، یعنی چاپ ژول مول و چاپ مسکو، این است که اولی بیش از حد به ضبطهای یگانه دستنویس پ متکی است و دومی به دستنویس ل. به همین سبب بسیاری از بیت‌های الحاقی و ضبطهای نادرست و یگانه این دو دستنویس در هر دو چاپ فراوان به چشم می‌خورد.

حاشیه:

14) Fritz Wolf, *Glossar zu Firdosis Shahname*, Hildesheim, 1965, p. 283.

۱۵) رک. «شده لاله در جنگ گلین قدح»، نشر دانش، س ۱۹، ش ۱، بهار ۱۳۸۱، ص ۶۷ و ۶۸.